



خیلواکی

استقلال

www.esteqtaal.net

جمعه ۱۱ فبروری ۲۰۲۲

حمید انوری

درنگی بر "فضاوت با شماس"ت

مضمون ارزشمند و انتقادی خواهر گرامی ما "ملال جان موسی نظام" را مانند همیشه با دقت مطالعه نمودم و بی نهایت تأثر و تألم برابم دست داد و به فکر عمیقی اندر شدم. ایشان از فیسبوک لیسه عالی ملالی و دست اندر کاران یا مسؤلین آن فیسبوک گلّه مندی نشان داده و تأثرات خویش را در موارد مختلف از آنان که در پرده اختفا خود ها را پیچانیده اند، شکوه دارند و بجا هم شکوه دارند.

هموطنان عزیز ما چه در داخل و چه هم در خارج از وطن، طی بیشتر از سه دهه است که با مبارزات، تلاش های خستگی ناپذیر و فعالیت های خیریه و نیز سیاسی- فرهنگی و تاریخی خواهر گرامی ما، محترمه "ملالی موسی نظام"، چه از نزدیک، چه از دور و چه هم از طریق سایت های انترنتی مختلف و تلویزیون ها آشنائی دارند که همیشه با صداقت تمام در خدمت وطن و هموطن و به خصوص طبقه اناث کشور بوده اند و هستند هنوز و این تلاش های شان بر همگان چون آفتاب روشن است. اینکه مسؤلین یا کلانکاران فیسبوک "لیسه عالی ملالی"، از این تلاش های پیگیر و خستگی ناپذیر ایشان بی خبر افتاده اند، از بیخبری خود شان نمایندگی میکند و دگر هیچ.

در افغانستان جنگ زده و آفت رسیده ما بیشتر از چهار دهه می شود که "نامرد سالاری"، "جنگ سالاری" و بگير و ببند و بگش با تمام سعبيت آن جریان دارد و با هزاران هزار درد و دریغ که عامل تمام اینهمه گشت و کشتار و خون ریزی و درنده خوئی و خیانت و جنایت و سعبيت، تمام و کمال "نامردان" روزگار بوده اند. زنان و طبقه اناث کشور با مسرت تمام که از اینهمه نامردی و نامردمی، مبرا بوده و دستان ظریف، پاک و انسان پرور آنان، کاملاً پاک و پاکیزه مانده است که این خود افتخار بزرگی است برای تمام زنان مظلوم و دربند کشیده شده افغانستان که دستان مبارک شان صد البته که قابل بوسیدن است.

"جنگ سالاری" و "نامردسالاری"، درست زمانی بین زنان پاکیزه افغان راه خود را باز کرد که گویا کار "ستاره افغان" بالا گرفت و این مرض مدهش و خانمان برانداز بین زنان هنرمند افغان شیوع یافت و جنگ های به اصطلاح زرگری و "موی کنک" و "یخن پاره کردن" و... از طریق پروگرام های تلویزیونی و نیز فضای مجازی، یعنی همان "فیسبوک" و "تویتر" و "انستاگرام" و...، به اوج خود رسید و دامان پاک زنان و دختران افغان را گرفت و یکی را در مقابل دیگری قرار داد و گپ به رسوائی و آبرو ریزی کشید.

و اما و مگر! تازه دیده می شود که این عمل بد و تهوع آور "جنگ سالاری" ره خود را در میان طبقه انات کشور و خاصاً طبقه روشنفکر و تحصیل یافته ما نیز گشوده و سر از فیسبوک لیسه عالی ملالی بدر نموده است که جای افسوس و درد و دریغ است.

و امروز شاهد آن هستیم که حتی یک "فیسبوک" مربوط یک لیسه عالی دختران کابل که همانا "فیسبوک لیسه عالی ملالی" باشد، یخن خواهر گرامی ما، قلم به دست توانا و خستگی ناپذیر افغان، محترمه "ملالی جان موسی نظام" را گرفته و جنگ سالاری پیشه کرده است که چرا چنین کردی و چرا چنان نکردی و...

ما افغانها همیشه در منزل و از مادر شنیده ایم و در مکاتب هم توسط معلمان دلسوز و ورزیده به ما تدریس شده است که هیچگاه به مخاطب تان "تو" خطاب نکنید و همیشه از کلمه "شما" استفاده کنید تا هم احترام طرف مقابل بجا آورده شده باشد و هم احترام خود تان حفظ گردیده باشد، حتی اگر طرف مقابل تان یک طفل هم باشد، باید احترام او را نگهدارید، چه اطفال هم هر کدام از خود یک شخصیت دارند که باید محترم شمرده شود و همین کار است که برای اطفال یک شخصیت منحصر به فرد داده می شود و برای آنان آینده ساز است.

"تو" خطاب کردن به یک مخاطب، خواه از طبقه ذکور باشد و خواه انات، امروزه روز دیگر نشان خودمانی بودن و صمیمی بودن نیست، بلکه نشانی از بی ادبی و بی نزاکتی است و خیر و خلاص. و اما تا فراموش نشده است باید یادآور گردید که این قاعده و قانون نیز از خود استثنا دارد، و آنهم اینکه به جنایتکاران، جنگ سالاران، فساد پیشه گان و اعوان و انصار شان هرگز نمی شود که احترام قائل شد و به آنان "شما" خطاب کرد، چه آنان هرگز قابل احترام نیستند و نخواهند بود.

صادقانه بگویم و بنویسم که من با "فیسبوک لیسه عالی ملالی" و مسئولین محترم آن هیچگونه آشنائی ندارم، اما خوشحالم که یک عده از خواهران گرامی ما که فارغ التحصیل این لیسه عالی باید بوده

باشند، چنین ابتکاری به خرج داده اند و نام پرآوازه آن لیسه را زنده نگهداشته اند که این کار و تلاش شان قابل قدر و در خور هرگونه ستایش است.

نوشته ها، مضامین و مقالات خواهر گرانمایه ما، محترم "ملالی موسی نظام"، در چهار دههٔ پسین، همیشه حاوی مطالب بکر، سرنوشت ساز و تجزیه و تحلیل عالی از اوضاع و احوال کشور جنگ زده ما بوده و یک غنیمت بزرگ برای علاقمندان بوده و فارغ از هر نوع حب و بغض شخصی، قومی و قبیله‌ای بوده و در خور هزاران هزار ستایش اند. آنچه ایشان در مورد معرفی خانم های خادم کشور و مردم دربند کشیده شده ما همیشه نوشته اند و می نویسند هنوز، خدمت بزرگی است که برای هموطنان ما انجام میدهند، چه اکثریت ما افغانهای خارج از کشور، با سوانح و کارکرد ها و تلاش ها و خدمات آنها، با درد و دریغ آشنائی کافی نداریم.

نظر به لستی که ایشان در همین مضمون مورد بحث، ارائه داشته اند، بیشتر از ۱۵ نفر از خانم های خادم این آب و خاک را برای هموطنان گرامی ما معرفی داشته اند که کوچکترین قوم پرستی و قبیله پرستی و خویشخوری در آنها به مشاهده نمی رسد و این کمترین بسیار علاقه دارم که بزودی سوانح پربار خانم "لیلا رشتیا عنایت سراج" را از قلم توانای محترمه "ملالی جان موسی نظام" نیز مطالعه نمایم.

حال بیائیم و موارد مورد اعتراض "فیسبوک لیسهٔ عالی ملالی" را از همین نوشتهٔ مورد نظر بالا گرفته و یک نگاهی به آنها ببندازیم تا "سیه روی شود هرکه در او غش باشد":

۱- این خانم ناشناس در اتهامات و دشنام های خویش به این جانب، مرا بیباکانه تو خطاب می نماید و ملامت میکند که خبر فوت و شرح حال یکی از دانشمندان قابل افتخار لیسهٔ ملالی را نباید برای وی «غرض نشر-!؟» میفرستادم چونکه صفحهٔ شان را به کجروی هایی متهم نموده ام و آنان به همکاری من علاقه ای ندارند! ولی عجب که اکیداً به من توصیه نموده تا چنین مطالبی را در عوض به «شورای نظار» بفرستم...

۲- جای افسوس است که این نمایندهٔ خود مختار یک مرکز علمی دختران پایتخت، هیچ توجهی در پیشبرد لسان ارزشمند دری افغانستان و رسم الخط خویش ننموده است، حتی نمیداند که ارسال آن شرح احوال زن دانشمند افغان، که چون به شکل «پی دی اف» و صرف برای مطالعه بوده...

۳- این خانم پرده پوش و پنهان کار درحالیکه سخت اینقلم را به دورویی ملامت می نماید، ادعا دارد که دلیل عدم پذیرش شرح احوال یکی از شخصیت های خبره «لیسهٔ عالی ملالی» که اینجانب به

غرض معلومات شان ارسال داشتیم، اینست که مطلب مذکور در وبسایت های دیگری؟! « اقبال نشر یافته است!»

به همین سه نکته مهم در این مختصر اکتفا کرده و یک نگاهی به آنها می اندازیم، تا چه قبول افتد و چه در نظر آید، با تأکید به این نکته که این نظر اندازی فارغ از هر نوع جانبداری بود و کار های تمام زنان پرتلاش افغان، به شمول خانم "نظام" و "فیسبوک لیسه عالی ملالی" در خور هزاران هزار ستایش است.

۱- اگر کس یا کسانی، روزی و روزگاری ما را متوجه اشتباهات و یا هم کجروی های ما می سازد، یا می سازند، هرگز نباید از آنها عقده به دل بگیریم، بلکه باید ممنون شان هم باشیم که ما را متوجه ساخته اند و از آن باید پند بگیریم و به اصلاح اشتباهات خود همت گماریم. از تملق گویان بپرهیزیم و از انتقاد کنندگان واهمه نداشته باشیم. ما انسانها باید از اشتباهات خود بیآموزیم. من اما نمی دانم و یا بهتر بگویم، دانسته نشدم که این "شورای نسوار" از کجا و چگونه سبز کرد و نوده زد و سر از باغ "فیسبوک لیسه عالی ملالی" بیرون کرد؟

اگر خانم ها و آقایان مسئولین "فیسبوک لیسه عالی ملالی"، اندکی به خود زحمت می دادند و قبل از نوشتن چرند، کمی در انترنت جست و جو می کردند، به ده ها و صد ها نوشته و مضمون و مقاله و تجزیه و تحلیل پُربار خانم "نظام" مواجه می شدند که جنایات بی حد و حصر "شورای نسوار" و "احمد شاه مسعود" و اعوان و انصار شان را طی سالیان متمادی، افشاء نموده اند و لافل بیشتر از دهها نبشته تحلیلی در مورد "جنایات افشار" در سایت های مختلف به نشر رسانده اند که دستان مبارک شان درد نکند!

به این نوع نوشته های هوایی و اراجیف، میگویند، آب را نادیده، موزه از پا کشیدن. خانم ها و آقایان محترم "فیسبوک لیسه عالی ملالی"! لافل و کم از کم، نگاهی به فیسبوک تان بیندازید و نشرات آنرا کنترل کنید و بعد بالای دیگران انتقاد کنید.

در مورد نشر نوشته ها و مضامین و تهنیت نامه ها، خدمت شما خواهران و برادران گرامی عرض شود که این نوع تسلیت نامه ها باید و شاید در دهها و صدها سایت و فیسبوک و تویتر و...، نشر شوند و از رفتگان با عزت ما یادآوری شایسته و در خور شأن آنها صورت گیرد، انتقاد شما خواهران و برادران گرامی اصلاً مفهوم و معنی ندارد و کاملاً بی جا و بی محل است.

۲- شما خانم ها و آقایان که هنوز هم در پرده استتار بسر می برید باید طی این سالیان می آموختید که هرگاه یک مطلب و مضمون را به شکل پی دی اف (PDF) دریافت میکنید، فقط برای معلومات

تان است و اگر به شکل وورد (Word) برای تان فرستاده می شود، جهت نشر می باشند. اندکی بیاموزید و بعد عکس العمل نشانند دهید.

۳- در اخیر هم باید یادآوری کرد که تلاش کنید "جنگ سالاری" را بگذارید برای "نامردان روزگار"، حیف و صد حیف خانم های با عزت افغان که خود ها را با این گند ها آلوده سازند. چه زیبا ضرب المثلی داریم که میگوید: "گردن نرم را شمشیر نمی بُرد".
یار زنده و صحبت باقی...